

سلام غردانیدن

وخاتمه نماز

دیزاین: الحاج سلیم عابد پیمان سویدن

Ketabton.com



۱۳۹۴



تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

بسم الله الرحمن الرحيم سلام گردانیدن و خاتمه نماز

نماز گزار بعد از تَشَهُّد و دعا ، نماز خویش را با ادای سلام اختتام می بخشد . همانطوریکه در تعریف نماز آمده است:

نماز عبارت از اقوال و افعال مخصوصه است که با تکبیر آغاز می یابد و با تسلیم (سلام دادن) خاتمه می یابد (اقوال و افعال مخصوصه مفتوحة بالتکبیر ومختومة بالتسلیم) . مطابق به احادیث نبوی پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در ختم نماز ، با گفتن: «السلام علیکم ورحمة الله» ، به سمت راست چهره مبارکش را برمیگرداند (طوری که سفیدی گونه راستش دیده میشد) سپس با تکرار «السلام علیکم ورحمة الله» چهره مبارک اش را به سمت چپ بر میگرداند (طوری که سفیدی گونه چپ ایشان دیده میشد) (روایت ابوداود و نسائی).

همچنان در حدیث متبرکه آمده است: «عن عامر بن سعد عن ابيه قال كنت اري رسول الله (ص) يسلم عن يمينه وعن يساره حتى اري بياض خده» (مسلم جلد اول صفحه 216) (عامر بن سعد رضی الله عنهما از پدرش حضرت سعد (رض) روایت میکند که فرمود من دیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم را که بطرف راست وچپش سلام می داد ، حتی بر اثر گردانیدن چهره سفیدی رخسارش را می دیدم) گاهی در آخر سلام اول، کلمه «برکاته» را میافزود (روایت ابوداود و ابن خزیمه). گاهی نیز بعد از اینکه در سلام اول «السلام علیکم ورحمة الله» میگفت، در سلام دوم، به گفتن «السلام علیکم» اکتفا مینمودند (روایت نسائی و احمد). همچنان برخی از اوقات طوری هم اتفاق میافتاد که فقط یک بار میگفت «السلام علیکم» و اندکی به طرف راست مایل میشد (روایت ابن خزیمه و بیهقی). محدثین می افزایند که در بدو اسلام اصحاب به هنگام سلام، با دستها اشاره میکردند، رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به آنها فرمود: «ما شأنکم تشیرون بأیدیکم کأنها أذناب خیل شمس...» (شما را چه شده است که دستهایتان را بسان دم اسب وحشی، حرکت میدهید؟) و در روایتی آمده است که فرمود: کافی خواهد بود که به هنگام سلام، دستهایتان همچنان بر روی ران، نهاده باشد و به برادران در سمت راست و چپ خود، سلام کنید (روایت مسلم).

انواع سلام دادن از نماز:

در احادیث نبوی طریقه های ذیل غرض سلام دادن از نمازیان گردیده است :

اول:

سلام گفتن بطرف راست «السلام علیکم ورحمة الله» نماز گزار آنقدر صورتش را بچرخاند تا اینکه سفیدی رخسارش دیده شود .

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

دوم :

گفتن سلام بطرف چپ «السلام علیکم ورحمة الله» تا اینکه سفیدی رخسار چپش دیده شود .

كما جاء فی صحیح مسلم من حدیث عامر بن سعد عن أبیه قال : « كنت أرى رسول الله صلى الله عليه وسلم یسلم عن یمینه وعن یساره حتی أرى بیاض خده »

یادداشت:

نقطه قابل توجه اینست که امام برای سلام دادن باید صدای خودش را بلند کند . برخی از علماء و فقها شکل سلام دادن در نماز را بشرح ذیل معرفی داشته اند :

شکل اول:

سلام بطرف راست و گفتن : «السلام علیکم ورحمة الله» .

وبازگفتن سلام بطرف چپ و گفتن : «السلام علیکم ورحمة الله» ، بگوید .

طوریکه در حدیث صحیح مسلم در حدیث جابر بن سمره رضی الله عنه آمده است : « كنا إذا صلینا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم قلنا : السلام علیکم ورحمة الله ، السلام علیکم ورحمة الله ، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « علام تؤمون بأیدیکم كأنها أذناب خیل شمس ، إنما یکفی أحدکم أن یضع یده علی فخذہ ثم یسلم علی أخیه ، من علی یمینه وشماله »

شکل دوم:

سلام بطرف راست و گفتن : «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» .

وبازگفتن سلام بطرف چپ و گفتن : «السلام علیکم ورحمة الله» ، بگوید طوریکه در ابی داود به سند صحیح کما قال الحافظ ابن حجر فی بلوغ المرام من حدیث وائل بن حجر قال صلیت مع النبی صلی الله علیه وسلم فکان یسلم عن یمینه «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» وعن شماله «السلام علیکم ورحمة الله»

شکل سوم:

بطرف راستش : «السلام علیکم ورحمة الله» ، و بطرف چپ : «السلام علیکم» بگوید .

كما جاء عند النسائی وأحمد بسند صحیح قال عنه الألبانی رحمه الله مرفوعا « أنه کان یسلم عن یمینه السلام علیکم ورحمة الله وعن یساره یقتصر علی السلام علیکم » .

شکل چهارم:

روبروی خود یک سلام می دهد، و در وقت سلام کمی به طرف راستش مایل می شود .

برادران و خواهران محترم!

سلام ، خواستاری سلامتی ، امنیت ، خیر و برکت و سعادت است . نمازگزار با سلام دادن ، نشان می دهد که دوستدار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران است و همواره آرزوی سلامتی آنان را دارد . این مسأله باعث نزدیکی قلب ها به هم و مستحکم تر شدن دوستی ها و برادری ها است .

سلام کلمه ایست زیبا که هم بر کام شیرین می آید و هم با معنای خوشش، رابطه ی میان گویند و شنونده اش را گرم می کند .

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

ترجمه سلام:

سلام در اصل کلمه عربی است برگرفته از زبان (نیاسامی) است و دارای معانی مختلفی است که از جمله مهمترین آنها میتوان به این معانی اشاره کرد: درود، سلامتی، و از جمله یکی از اسماء پروردگار و به معنی صلح. گفتیم یکی از معانی سلام بمعنی تحیت است طوری که در آیه (20 سوره ط) آمده است: «وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتٰبَعَ الْهَدٰی» و گفتیم یکی دیگر از معانی سلام اسماء الله است زیرا سالم از هرگونه نقص و عیب و فناست (المنجد لويس معلوف) و هکذا سلام به معنای درود گفتن و هنیئت به زبان آوردن هم می باشد (فرهنگ معین) قابل تذکر است که تحیت و درود از اموری نیستند که بعد از ظهور اسلام در بین مردم رواج یافته باشد، بلکه مصادیق مختلف آن در میان اقوام و ملل پیش از اسلام نیز رواج داشت.

در آیات مختلف از قرآن عظیم الشان تعبیراتی وجود دارد که نشانگر وجود این سنت در ملل گذشته دارد، از جمله آنها: (ولقد جائت رسلنا ابراهيم بالبشرى قالوا سلاما) و (السَّلامُ عَلٰی يَوْمٍ وَلَدَتْ وَ يَوْمٍ اَمُوتُ وَ يَوْمٍ اَبْعَثُ حَيًّا «سوره مريم آیه 19»). این دو آیه نشانگر این امر است که در زمان حضرت ابراهيم و حضرت عيسى (ع) تحیت و سلام وجود داشته است. در زمان عرب جاهلی نیز نوعی از تحیت رواج داشته است که حکایت ذیل بیانگر آن است: میگویند: روزی یکی از اعراب جاهلی جهت شنیدن آیات قرآن کریم به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تشریف آورد و در ابتدای حضور در مجلس برای تحیت چنین گفت: «انعم صباحا» با شنیدن این سلام پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: خدای من تحیت بهتر از این فرستاده و آن این است که بگوییم سلام علیکم (فرازهایی از تاریخ اسلام / جعفر سبحانی).

حکمت و فلسفه «سلام» در نماز:

در مورد حکمت و فلسفه «سلام» در نماز علماء میفرمایند که با گفتن «تکبیرة الاحرام تحریمه» اجازه دخول و ورود به نماز است، سلام و درود فرستادن به پیامبر صلی الله علیه وسلم، بندگان صالح و همه نماز گزاران است. نماز خویش را به پایان میرسانیم. بناً بصورت کل گفته میتوانیم که: «تکبیرة الاحرام» اجازه ورود به نماز و «سلام» اجازه خروج از نماز است.

برخی از علماء در مورد ادای صوت «سلام» میفرمایند که: سلام اول یعنی سلام بطرف راست باید با صدای نسبتاً بلندی صورت گیرد، و سلام دوم بطرف دست چپ نسبتاً به صدای ارامتری صورت پذیرد، میخواهم با استفاده برخی از نظریات و اقوال فقهی علماء را در این مورد بیان بدارم. تعدادی از علماء بدین باور اند که:

سلام بطرف دست راست جزو ارکان نماز است ولی سلام دوم بطرف دست چپ مستحب است، با آنها هر دو سلام باید با صدای بلند خوانده شوند چون هیچ دلیلی بر این نیست که سلام اول سری گفته شود.

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

واستدلال می آورند که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در ختم نماز به هردو طرف سلام می داد: طوریکه در حدیثی از ابن مسعود آمده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْلُمُ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ، وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ، حَتَّى يَرَى بَيَاضَ خَدِهِ» (صحیح - نسایی). یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم به طرف راست و چپ سلام می داد و می فرمود: السلام عیکم و رحمة الله، السلام علیکم و رحمة الله بطوریکه سفیدی چهره مبارکش نمایان می شد».

همچنان روایات هم وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم در برخی از اوقات به یک سلام نیز اکتفا می کرد.

در حدیثی که از حضرت بی بی عایشه روایت گردیده آمده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْلُمُ فِي الصَّلَاةِ تَسْلِيمَةً وَاحِدَةً تَلْقَاءُ وَجْهَهُ، يَمِيلُ إِلَى الشِّقِّ الْأَيْمَنِ شَيْئًا» (صحیح - ترمذی) «پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز یک سلام روبرویش می داد و رویش را کمی به طرف راستش مایل می کرد».

سلام دادن اول (از طرف راست) واجب، و سلام دادن دوم (از طرف چپ) سنت است: رای جمهور علماء بر آنست

که سلام اول فرض است، و سلام دوم مستحب است.

ابن المنذر گفته است: باجماع علماء، نماز

کسی که به سلام دادن اولی بسنده کند، جایز است. و ابن قدامه در «المغنی» گفته است:

«نص سخن امام احمد صریح نیست در اینکه هر دو سلام واجب باشند»، بل که گفته است: هر دو سلام بطور صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است و می توان گفت مراد مشروعیت هر دو سلام است نه وجوب

هر دوی آنها، همچنانکه دیگران نیز چنین گفته اند. بدلیل اینکه در روایت دیگر ی فرموده است: «من دو بار سلام دادن را بیشتر دوست دارم».

وبدلیل اینکه حضرت عایشه و سلمه ابن الاکوع و سهل بن سعد روایت کرده اند دکه: «پیامبر صلی الله علیه وسلم

سلم یکبار سلام می داد و مهاجرین هم یکبار سلام می دادند» .

در آنچه که ما ذکر کردیم، اخبار و اقوال اصحاب مورد توجه قرار گرفته و بموجب آنها مشروع و سنت دو بار

سلام دادن است و یکبار سلام دادن واجب است. و اجماعی را

که ابن المنذر ذکر کرده است بر صحت آن دلالت دارد، و نمی توان از آن عدو ل کرد.

مسبوق و سلام دادن آن:

مسبوق عبارت از شخصی است که تاهنوز چند رکعت از نمازش باقی مانده، ایا

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

بلافاصله با سلام امام بلند شود یا پس از سلام دوم امام؟
جمهور علمای مذاهب از جمله امام شافعی، امام مالک بدین رای اند که:
سلام اول:

در نماز سلام اول رکن از ارکان نماز است، و سلام دوم مستحب است.
گفته اند:

سلام اول بعنوان رکن نماز است و سلام دوم مستحب است، بر این مبنا افضل برای مسبوق آنست که پس از اتمام سلام دوم بلند شود، ولی اگر سلام اول را تمام کرد باز جایز است که فرد مسبوق بلند شده و نمازش را کامل کند. (برای مزید معلومات به: «المجموع» (462/3). مراجعه شود.

اما بر طبق مذهب حنابلّه، و روایتی از امام احمد، هر دو سلام در نماز واجب و رکن است، و این رای امام ابن حزم و بعضی از علماء مالیکه نیز می باشد، بر مبنای این رای شخص مسبوق باید پس از سلام دوم امام، برای تکمیل کردن نمازش بلند شود، یعنی هرگاه امام برای بار دوم لفظ «السلام علیکم ورحمة الله» را بطور کامل خواند، بلند شود، اما اگر مسبوق قبل از سلام دوم امام بلند شود بایستی زود برگشته و بنشیند و پس از پایان سلام دوم امام بلند شود، اگر بازنگردد نماز او صحیح نیست و آن نماز بعنوان نماز نافله برایش محسوب خواهد شد! (توضیح بیشتر در «منار السبیل» (119/1)).
و بر طبق مذهب امام ابوحنیفه (رح):

در مذهب امام ابوحنیفه (رحمه الله) هیچ یک از دو سلام نماز فرض یا واجب نیستند بلکه اختیاری می باشند، و هرگاه امام برای تشهد آخر نشست و آنرا تمام کرد، نمازش پایان رسیده است. بر این مبنا هرگاه مسبوق سلام امام را شنید همان لحظه برای او جایز است بلند شود.

شیخ ابن باز رحمه الله رای راجح نزد خود را چنین بیان می دارد:
«جمهور اهل علم چنین نظر دارند که یک بار سلام کافی است، زیرا در بعضی از احادیث که در این باره وارد شده چنین برداشت می شود، و بعضی از اهل علم گفته اند که هر دو سلام لازم است، بخاطر احادیثی که در این مورد از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است، و چون فرمودند: «صلوا کما رأیتُمونی أصلی» یعنی: «همانگونه نماز بخوانی که من نماز می خوانم». بخاری. و این قول صواب است.
اما قول (جمهور) که یک بار سلام را کافی می داند ضعیف است، زیرا احادیث وارده در این باره ضعف دارند، و نیز آن احادیث بصراحت این مطلب را بیان نکرده اند (که یک سلام کافی باشد)، و اگر (احادیث) صحیح هم باشند باز شاذ هستند زیرا با احادیث صحیح تر از خود مخالفت می کنند، اما هرکس چنین کند یعنی تنها یک سلام دهد حال از روی جهل باشد و یا آن رای را بخاطر صحت احادیث مربوطه صحیح تر بداند، نمازش صحیح است. (کتاب تحفة الإخوان (صفحه: 112).).

استنتاج نهایی:

بهتر آنست که جهت خروج از اختلاف علماء؛ فرد مسبوق پس از پایان سلام دوم امام

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

بلند شود، اما اگر پس از پایان سلام اول بلند شود، انشاءالله نمازش صحیح است. اما قول امام صاحب امام ابوحنفیه در این باره صحیح نیست، زیرا احادیث وارده بصراحت سلام دادن را جزوی از نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم برشمرده اند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مفتاح الصلاة الطهور و تحریمها التکبیر و تحلیلهما التسلیم». ابن ماجه (275) یعنی: «کلید نماز، وضوء، تحریم آن تکبیر و پایان آن سلام دادن است».

استغفرالله بعد از سلام:

در حدیث صحیح که از ثوبان رضی الله عنه روایت شده آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» قَالَ الْوَلِيدُ: فَقُلْتُ لِلْأَوْزَاعِيِّ: كَيْفَ الاسْتِغْفَارُ؟ قَالَ: تَقُولُ: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ، اسْتَغْفِرُ اللَّهَ. مُسْلِمٌ (591). (پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی سلام نماز را می‌داد سه بار استغفار می‌کرد و می‌فرمود: (اللهم أنت السلام و منك السلام تبارکت یا ذا الجلال و الإكرام) «خداوندا! تو سلام هستی و سلامتی از طرف توست. خیرهایت فراوانند ای صاحب شکوه و بزرگواری». ولید (راوی حدیث) گفت: به اوزاعی گفتم استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفر الله، استغفر الله.

بر طبق این حدیث مستحب است که نمازگزار بعد از سلام دادن از نمازش، سه بار (اسْتَغْفِرُ اللَّه) بگوید و بعد مابقی اذکار را ادامه دهد.. اما در حدیث صحیح دیگری از ابن عباس رضی الله عنه آمده که گفت: «كُنْتُ أَعْرِفُ انْقِضَاءَ صَلَاةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالتَّكْبِيرِ». بخاری (842) و مسلم (583) یعنی: «تمام شدن نماز پیغمبر صلی الله علیه وسلم را با تکبیر گفتنش (در آخر نماز) تشخیص می‌دادم».

از ظاهر حدیث ابن عباس رضی الله عنه چنین برداشت می‌شود که بعد از سلام دادن، گفتن تکبیر (الله اکبر) توسط نمازگزار (چه امام یا ماموم) باشد، سنت است، و لذا بعضی از علماء به ظاهر حدیث اعتماد کرده و می‌گویند: بعد از سلام دادن از نماز مستحب است گفته شود: (الله اکبر).

در مقابل بعضی دیگر (و بلکه اکثر) علماء فرمودند: مراد از گفتن تکبیر بعد از انتهای نماز در روایت ابن عباس؛ گفتن (الله اکبر) نیست، بلکه منظور همان اذکار بعد نماز است، یعنی راوی خواسته بگوید که پیامبر صلی الله علیه وسلم اذکار بعد نماز را با صدای بلند (جهری) می‌گفتند. مراجعه کنید به: «عمدة القاری» (6/ 126). آنها برای گفته خود به لفظ دیگری از حدیث ابن عباس استناد کرده اند که در آن بجای کلمه «تکبیر»، «ذکر» آمده است، چنانکه ابن عباس رضی الله عنه گفته: «أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». یعنی: «بالا بردن صدا هنگام خواندن اذکار وقتی که مردم نماز فرض را به پایان می‌رساندند چیزی بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم وجود داشت».

بخاری و مسلم

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

سوالی از هیئت دائمی افتاء پرسیده شد: آیا برای نمازگزار مشروع است که بعد از سلام دادن بگوید: (الله اکبر)، یعنی قبل از سه بار استغفر الله گفتن با استناد به حدیث ابن عباس ابتدا تکبیر گوید؟ اگر تکبیر گفتن بعد از سلام دادن جایز نیست پس مراد از آن در حدیث مذکور چیست؟

جواب دادند: «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از سلام دادن از نماز ابتدا سه بار استغفر الله می گفتند، سپس می گفت: (اللهم أنت السلام ومنك السلام تبارکت یا ذا الجلال والإکرام) و بعد از آن بقیه اذکار وارده را می خواندند، اما منظور از تکبیر مذکور در حدیث یعنی گفتن سی و سه بار سبحان الله، و الحمد لله، و الله اکبر است، و این (برداشت بخاطر) جمع بین احادیث وارده در این باره هست». اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء؛ الفتوی رقم (18147).

عبد العزیز بن عبد الله بن باز، بکر أبو زید، صالح الفوزان، عبد الله بن غدیان، بنظر می رسد امر در باره واسع باشد و کسانی که بعد از سلام تکبیر نمی گویند و یا کسانی که بعد از سلام الله اکبر گویند را نباید انکار نمود، چرا که به ظاهر حدیث استناد کردند، اما آیا این تکبیر و یا اذکار نماز بصورت جهری باشد یا خفیه، بر سر این مسئله مابین علماء اختلاف رای .

خواندن اذکار بعد از سلام:

در مورد اینکه اذکار متصل بعد از سلام به جهر خوانده شود و یا خفی: فقها در مورد این مساله اختلاف دارند. برخی از فقها گفته اند که: جهری خواندن اذکار بعد از نماز جزو سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است و بعضی دیگر آنرا مکروه می دانند و گفته اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن (جهر به ذکر) مداومت نداشته است و بلکه آن مدت هم به جهت تعلیم صوت خود را بالا برده اند تا دیگران یاد بگیرند که بعد از نماز چه ذکرهایی باید بخوانند و بعد از یادگیری دیگر نیازی به بالا بردن صوت وجود نداشت. اما علت اختلاف این دو گروه از فقها، روایتی است که امام بخاری و مسلم از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده اند که: (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ . قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا انْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتُهُ). وَفِي لَفْظٍ : (مَا كُنَّا نَعْرِفُ انْقِضَاءَ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا بِالتَّكْبِيرِ). بخاری (806) و مسلم (583).

مفهوم حدیث: عبد الله بن عباس رضی الله عنه می فرماید: بالا بردن صدا هنگام خواندن اذکار وقتی که مردم نماز فرض را به پایان می رساندند چیزی بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم وجود داشت. ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: من با شنیدن خواندن اذکار با صدای بلند می دانستم که نماز به پایان رسیده است. و در روایت دیگری می فرماید: فقط با شنیدن صدای تکبیر متوجه به پایان رسیدن نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم می شدیم.

نظریات فقها در مورد اذکار بعد ختم نماز:

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

- 1- آیا پیامبر صلی الله علیه وسلم بر عمل خویش (یعنی جهری خواندن اذکار نماز) مداومت داشته اند یا خیر؟
- 2- آیا این عمل (یعنی مداومت بر جهری خواندن اذکار) در تعارض با این فرموده ی الله تعالی نیست که می فرماید: «أَذْكُرُ رَبِّي فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (سوره الأعراف/205) پروردگارت را در دل خود به تضرع و ترس، بی آنکه صدای خود بلند کنی، هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش.)
- امام ابن جریر طبری و ابن حزم و شیخ الاسلام ابن تیمیه و چندین تن دیگری از علمای شهیر فرموده اند که جهری خواندن اذکار بعد از نمازهای فرض جایز و سنت است.
- امام شافعی و جمهور علماء میفرمایند: که این عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم به جهت تعلیم اصحاب بوده است (و بر آن تداوم نداشته بنابراین جهری خواندن اذکار بعد از نماز مکروه است).
- امام شافعی رحمه الله می فرماید: پیامبر صلی الله علیه وسلم مدت کوتاهی برای اینکه به اصحابش چگونگی اوراد را بیاموزد با صدای بلند ذکر می کرده اند، و منظور این نیست که ایشان و اصحابش همیشه با صدای بلند ذکر می کرده اند، و پسندیده ی امام و ماموم است که با صدای پایین اوراد بخوانند، مگر امامی که بخواهد به مامومین خود چگونگی خواندن اذکار را بیاموزد. (عمدة الأحكام من کلام خیر الأنام، بابُ الذکر عَقَبَ الصَّلَاةِ). و امام بهوتی از شیخ الاسلام ابن تیمیه نقل کرده: «شیخ (یعنی ابن تیمیه) گفته: جهری خواندن تسبیح و تحمید و تکبیر بعد از نماز مستحب است.» . «کشاف القناع» (366/1).
- نظر شیخ ابن عثیمین رحمه الله اینست که «جهر به ذکر بعد از نمازهای فرض جزو سنت است، و روایت بخاری از حدیث عبدالله ابن عباس رضی الله عنه بر آن دلالت دارد چنانکه آمده: بالا بردن صدا هنگام خواندن اذکار وقتی که مردم نماز فرض را به پایان می رساندند چیزی بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم وجود داشت، و گفت: من با شنیدن خواندن اذکار با صدای بلند می دانستم که نماز به پایان رسیده است. همچنین در صحیحین از حدیث مغیره بن شعبه رضی الله عنه آمده که گفت: سمعت النبی صلی الله علیه وسلم يقول إذا قضی الصلاة: (لا إله إلا الله وحده لا شریک له ..) الحديث. یعنی: هرگاه نماز تمام می شد از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می گفت: (لا إله إلا الله وحده لا شریک له ...)، در حالیکه (می دانیم) شنیدن جز با بالا بردن و جهر گوینده حاصل نمی شود.
- و شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله و جماعتی از علمای سلف و خلف این قول را برگزیده اند به دلیل دو حدیث ابن عباس و مغیره رضی الله عنهما. و جهری خواندن اذکار مشروع بعد از نماز به دلیل عمومیت حدیث ابن عباس عام است و شامل تهلیل (لا اله الا

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

الله) و تسبیح یا تکبیر یا تحمید می شود.. و بدینگونه قول کسی که می گوید جهر به تکبیر و تهلیل و تسبیح وجود ندارد رد می شود.

اما آنکسی که می گوید: (جهر بدین صورت بدعت است)، او مرتکب خطا شده است! چطور ممکن است چیزی در دوران پیامبر صلی الله علیه وسلم معهود باشد ولی بدعت قلمداد شود؟..

و اما احتجاج منکرین به آیه ی (واذکر ربک فی نفسک تضرعا وخیفۃ ودون الجهر من القول بالغدو والاصال) به او می گوییم: آنکسی که امر نموده تا پروردگارش را در نفس خود بصورت تضرع و پنهانی بخواند، همانکسی است که خود بعد از نماز اذکار را (همواره) جهری می خواند، آیا آنکسی که به این آیه (در انکار جهر به ذکر) احتجاج می کند از رسولش به مراد الله تعالی آگاهتر است؟ یا معتقد است که رسول صلی الله علیه وسلم مراد پروردگارش (از این آیه) را می دانست ولی با آن مخالفت می کرد؟! از طرفی این آیه درباره ی ذکر اول و آخر روز است نه در مورد ذکر مشروع بعد از نمازها، ...

اما کسی که می گوید: جهری خواندن اذکار بعد از نماز موجب تشویش بقیه می شود. به او می گوییم: اگر منظورت اینست که موجب تشویش کسانی می شود که به جهر خواندن اذکار عادت ندارند، در اینصورت هرگاه مشخص شود که این امر (جهر به ذکر) جزو سنت است پس تشویش هم باقی نمی ماند، و اگر منظورت اینست که موجب تشویش نمازگزاران می شود، پس (بدان) اگر کسی از نمازگزاران مسبوق نبود تا پس از سلام امام برخیزد و ادامه ی نمازش را بخواند در اینصورت موجب تشویش کسی نخواهد شد زیرا همگی در آن (خواندن اذکار بصورت جهر) مشترک هستند، و اگر احیانا افرادی مسبوق بودند، پس اگر نمازگزار نزدیک (شخص ذکر خوان) بود بگونه ای که جهری خواندن اذکار موجب تشویش او می شد در اینصورت جهر خود را جهر نکند (یعنی صوت خود را کمی پایینتر آورد) تا موجب تشویش نماز مسبوق نشود، و اگر نمازگزار (از شخص ذکر خوان) دور بود، پس در اینصورت تشویش با جهر حاصل نمی شود. و بدین ترتیب مشخص شد که بالابردن صوت در هنگام خواندن اذکار بعد از نمازهای فرض جزو سنت است و این امر با نص صحیح و نظر و استدلال صحیح تعارضی ندارد. «مجموع فتاوی الشیخ ابن عثیمین» (247/13، 261).

خلاصه اینکه این مسئله از دیرباز مورد اختلاف بین فقها بوده و هست، و باید گفت که امر در این مورد واسع است و بهتر است کسی دیگری را مورد طعن و سرزنش قرار ندهد و کسی که صدای خود را بلند می کند بدون آزار و مزاحمت دیگران باشد. اما ذکر جمعی بعد از نماز با جهری خواندن اذکار متفاوت است، خواندن اذکار بصورت جمعی و گروهی هیچ اصلی در شرع ندارد و بلکه جزو بدعت است، بر خلاف جهری خواندن اذکار که دارای اصلی در سنت نبوی می باشد.

شیخ ابن باز در جواب سوالی: حکم ذکر جمعی بعد از نماز چیست؟ و آیا جهر به ذکر سنت است یا سری خواندن آن؟ جواب فرموده است: «سنت اینست که اذکار بعد نماز

سلام گردانیدن و خاتمه نماز

های پنچگانه و نماز جمعه بعد از سلام بصورت جهر خوانده شوند، چنانکه در صحیحین از ابن عباس رضی الله عنه ثابت است که «بالا بردن صدا هنگام خواندن اذکار وقتی که مردم نماز فرض را به پایان می رساندند چیزی بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم وجود داشت»، ابن عباس گفت: «من با شنیدن خواندن اذکار با صدای بلند می دانستم که نماز به پایان رسیده است».

اما جمعی خواندن اذکار بگونه ای که هرکدام با دیگری از اول تا آخر اذکار را (جمعی) بخوانند، این امر اصلی ندارد و بلکه آن بدعت است، آنچه که مشروع است اینست که همگی ذکر خداوند کنند بدون آنکه صوت آنها از ابتدا و انتها تلاقی داشته باشند. «فتاوی الشیخ ابن باز» (191/11).

همچنین شیخ ابن باز رحمه الله در این باره می گوید: «این امر (جمعی خواندن اذکار بعد از نماز) بدعت است، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده است، و آنچه که وارد شده اینست که هر انسانی استغفار کند و در نفس خود ذکر نماید، اما سنت است تا این ذکر را بصورت جهری بعد از نماز بخواند.» «مجموع فتاوی ابن عثیمین» (261/13-262).

بنابر این سنت اینست که هرکس بعد از انتهای نماز خود اذکار مشروع و ماثور را خود بتهایی و بدون هماهنگی با دیگران بخواند، حال یا بصورت خفی و سری بخواند و یا آنکه بصورت جهری بخواند بدون آنکه دیگران را با صوت خود آزار دهد و باعث تشویش مسبوقین شود.

فهرست مطالب مندرج:

1	انواع سلام دادن از نماز: (شکل او، شکل دوم، شکل سوم، شکل چهارم)
2	ترجمه سلام
3	حکمت و فلسفه «سلام» در نماز
4	مسبوق و سلام دادن آن
5	استغفرالله بعد از سلام
6	خواندن اذکار بعد از سلام
7	نظریات فقها در مورد اذکار بعد ختم نماز

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library